

چون بر نهاد ز زین قامت پیکر من
از ناله و زاری

گشت خسته بخت روی دل را کج
از ناله و زاری

شد رون از تن آن شاه و هر چه
از ناله و زاری

بپاوه چو نند از ظلم سرد پای
از ناله و زاری

پایاره بختان بگوشت ز جفت
از ناله و زاری

در بوی کای کایسه در اعقب
از ناله و زاری

چو برین از خوف با فرد زود بر
از ناله و زاری

قدیر نماید که شود بهمان کس
از ناله و زاری

عزیز از یاد این قصه بر غصه او
از ناله و زاری

فردن چو سپه ازین زودم ازای
از ناله و زاری

کفرش از سرد در تشنه شربین
از ناله و زاری

کار تو بگویم به است تمایز
از ناله و زاری

چون بر نهاد ز زین قامت پیکر من
از ناله و زاری
گشت خسته بخت روی دل را کج
از ناله و زاری
شد رون از تن آن شاه و هر چه
از ناله و زاری
بپاوه چو نند از ظلم سرد پای
از ناله و زاری
پایاره بختان بگوشت ز جفت
از ناله و زاری
در بوی کای کایسه در اعقب
از ناله و زاری
چو برین از خوف با فرد زود بر
از ناله و زاری
قدیر نماید که شود بهمان کس
از ناله و زاری
عزیز از یاد این قصه بر غصه او
از ناله و زاری
فردن چو سپه ازین زودم ازای
از ناله و زاری
کفرش از سرد در تشنه شربین
از ناله و زاری
کار تو بگویم به است تمایز
از ناله و زاری

King Saud University

57

Copyright © King Saud University